



سمیه ملاتبار

نویسنده



مرور تجربه های مثبت و منفی در خرید از مارک های ایرانی

سراغ این ها بروید اما با چشم باز



چقدر اهمیت داده اید که خرید هایتان برای عید نوروز از کالاهای تولید داخل باشد؟ چقدر وقت صرف کرده اید که با مناسب ترین هزینه، اجناس با کیفیتی را از تولیدی های خودمان تهیه کنید؟ اصلاً شما که انتخابتان کالای داخلی بوده، چقدر از خریدتان راضی هستید؟ شده است که ضعف تولید داخلی را به گوش تولیدکننده اش برسانید تا کیفیت تولیداتش را بهتر کند؟

خانم مهدیاری که خودش به نوعی تولیدکننده به حساب می آید، گفت: اصل اقتصادیک کشور به درونزا بودنش است. در مقیاس کوچک و خیلی دم دستی، آدم تا وقتی خودش می تواند غذا درست کند، چرا باید برود از بیرون غذا سفارش دهد و غذای فرد دیگری را وارد خانه اش کند؟ اقتصاد در خانواده این روزها خیلی مهم تر شده است، شاخه های کوچکترش مثل همین غذاست. اولویت با آن کاری است که نفع اش به نفع ما یا به نفع نزدیکان ما است. یعنی نیاز خودت را اول خودت تأمین کنی، اگر نتوانستی، از اطرافیان و فامیل تأمین کنی و اگر نشد و کیفیت لازم را پیدا نکردی، از همسفریان ات استفاده کنی و در آخر اگر نشد، از هموطنات کمک بگیری. در مواردی می شنویم و حتی کمی هم دیده ایم که محصولی ایرانی با کیفیت مدنظرمان پیدا نمی شود. در اینجا به نظرم اولویت با کشوری است که قرابت و نزدیکی فرهنگی، سیاسی بیشتری به ما دارد. اگر این اصل مهم در روابط اقتصادی اجرا شود و همه ما آن را اجرا کنیم، خود به خود خیلی از مشکلات اقتصادی خانواده و به دنبال آن جامعه حل می شود. پس لزوم حمایت از تولید ملی دقیقاً مثل همان حمایت از دستپخت ما به عنوان همسر یا مادر در مقابل دستپخت یک مرد غریبه یا یک زن غریبه در یک رستوران است؛ هر چند غذای رستوران شیک تر و پرنتر و لعاب تر باشد.

در خانواده ما مسئله خرید تولیدات داخلی خیلی حل شده است. ما نه تنها باید محصولات مورد نیازمان ایرانی باشد، بلکه نباید حروف و اشکال خارجی رویش نوشته شده باشد، خصوصاً در حوزه کودک برای دخترم. اما متأسفانه در حوزه پوشاک کودک، خصوصاً خیلی از محصولات ایرانی، زبان بیگانه رویش نوشته شده است یا از شخصیت های کارتون غیربومی استفاده کرده اند. اولویت من و شوهرم این است که جنس ایرانی بدون این اشکال و طرح ها را بخریم. البته الان هم با افتخار می توانم بگویم هیچ لباس پلوخوری برای دیدن و بازدیدهای دخترم که فینگیلیش نویسی شده باشد، نخریده ایم. در مورد اطرافیان هم اغلب همین است؛ مثلاً در مهمانی ها اگر با شکلات خارجی پذیرایی کنید، به شخصه بر نمی دارم. اکثر شکلات های پذیرایی نیز اتفاقاً خارجی هستند با اینکه تولید داخل با کیفیت در مورد شکلات کم نداریم. برای همین مثلاً وقتی شکلات را تعارف کردند اول می پرسیم ایرانی است؟ اگر بگویند نه، می گویم نمی خورم. بعد همین رفتارم بحث را باز می کند. به آنها می گویم که چه شکلات خوبی در داخل داریم و این کار ما ظلم در حق آنهاست که شما رفیده ایته خارجی همان سبک را خریدید. وقتی هم که مهمان ما می شوند، بعد از میل کردن شان می پرسیم راضی بودید؟ ایرانی بوده و تقریباً همیشه با تعجب شان مواجه می شوم. امسال هم منتظر بودم تا دید و بازدیدها شروع شود و با شکلات های داخلی که تهیه کرده ایم، تبلیغ بیشتری داشته باشیم.

تا چند سال پیش من و شوهرم برای خرید لباس های نوروزی مان به سراغ پلاسکو می رفتیم. طبقه های بالای پلاسکو، تولیدی بود و لباس های با کیفیت بالا و خیلی خوبی تولید می کردند. البته گاهی همان محصولات را به اسم برند خارجی در پایین ساختمان می فروختند ولی چند مغازه ای که از آن خرید داشته ایم، کاملاً تولید خودشان را می فروختند. الحمدلله الان تولیدات پوشاک ایرانی، چه کودک و چه بزرگسال، خیلی خوب و فراوان شده است و دایره انتخاب مان هم وسیع تر. امسال هم مدل هایی را انتخاب کرده ام و برای خودم با کمک مادرم لباس دوخته ام. برای بقیه خریدهایم هم با همین حساسیت آن ها را دنبال کرده بودم و از نتیجه راضی ام.

آیه که مادر دختری سه ساله است، می گوید: برای پذیرایی عید و مهمان های نوروزی، از خانومی که شیرینی خانگی متنوع و خوشمزه ای می پخت خرید داشتیم که کیفیت شیرینی هایش هم خیلی خوب بود. به همه دوستانم هم معرفی اش کردم و حتی رفقایمان هم از خریدهایشان راضی بودند. کیفیت شیرینی های خانگی امسال آنقدر خوب بود که در چند روز اول، شیرینی ها را تمام کردیم و مجبور شدیم دوباره سفارش دهیم. پذیرایی

شکلات هم داشتیم و انواع شکلات های ایرانی را برای سفره عید تهیه کردم. بارها برخی شکلات های معروف خارجی را با نمونه های داخلی مقایسه کرده ام و دیده ام کیفیت ایرانی ها جداً قابل قبول بوده است. در مورد مارک لوازم برقی، خودم کالای تولید داخلی ندارم اما تجربه تولیدات داخلی در لوازم برقی را در اقوام نزدیک دیده ام. درباره یخچال و تلویزیون و ماشین لباسشویی که راضی بوانند. ولی مثلاً در وسایل پخت و پز، مثل قابلمه، ماهیتابه و زودپز که خود ظرف در معرض حرارت قرار می گیرد و روی سلامت خانواده ام اصلاً ریسک نمی کنم، تا مطمئن نشوم مارکی خیلی خوب است و استاندارد را رعایت می کند از آن استفاده نمی کنم چه ایرانی باشد چه خارجی. در مورد پوشاک، سال ها پیش از یک برند ایرانی که در حراج بود خریدی داشتیم و قیمت حراجش با قیمت حالت عادی برندهای خارجی خوب برابری می کرد و خیلی گران بود البته واقعاً کیفیت خوبی داشت. اما درباره کفش چون هم خودم و هم همسرم مشکل زانو داریم، سراغ برندهای ایرانی نمی روم، مگر برای کفش چرمی که به نظرم مارک های ایرانی کیفیت خوبی در کفش چرمی دارند. اما در مورد کتونی و کفش روزمره، چون طبی بودنش برایم مهم است، سراغ ایرانی ها نمی روم. البته گاردی هم ندارم، مارک ایرانی، کتونی خوب و طبی تولید کند حتماً تهیه می کنم.

برای دخترم که خدا را شکر مشکلی ندارد و در حال رشد هم هست، از مارک های ایرانی استفاده می کنم. اتفاقاً چند مارک لباس کودک ایرانی می شناسم که کیفیت خیلی خوبی دارند و بارها خرید داشتیم و راضی بودم. اما در مورد وسایل ایمنی دخترم مانند کالسکه و صندلی ماشین هم سراغ کارهای ایرانی نرفتم چون ایمنی لازم را ندارند و استانداردهای محافظتی را اصلاً رعایت نمی کنند.

فاطمه لایقت می گوید: خیلی سال است که ما این باور را داریم که خریدی از تولیدات غیرایرانی نداشته باشیم، حتی از بیجگی، مادرم هم همین طور بودند و حساسیت شان را به ما هم منتقل کردند. واقعاً دلیل اصلی ما این است که کشور در شرایط اقتصادی ای قرار دارد که نیاز است تک تک ما همراهی کنیم تا این شرایط سخت بگذرد. اگر من می بینم مثلاً کودک کار داریم و هزار مصیبت دیگر، حداقل کمک من این است که به جای جنس خارجی از تولیدات داخلی استفاده کنم. با اینکه مجبورم بگردم و خیلی زمان بگذارم و حتی هزینه بیشتر نیز بپردازم چون واقعاً گاهی جنس خارجی ارزان تر و شیک تر

است. حتی بعضی وقت ها شمات هم بابت خریدم از بیشتر فامیل می بینم اما چون خیلی مصمم بر عقیده مان هستیم کوتاه نمی آییم. به هر حال خرید جنس ایرانی واقعاً برای ما تبعات فرهنگی، اقتصادی دارد ولی من با کمال میل و با جان دل این تبعات را به دوش می گیرم چون اعتقاد دارم این حداقل کاری است که نسل ما می تواند برای حفظ کشور انجام دهد. نسل های قبلی هم جان شان و بعضاً آبرو و زندگی شان را گذاشتند. به نظرم این حداقل کاری است که برای کمک

به وضعیت بهتر از دست من و خانواده ام برمی آید. بخشی از قضیه هم به عرق ملی و باورهای ارزشی به نظام برمی گردد و یک بخش هم دیدگاه اجتماعی من است که من اگر می خواهم جامعه ام حرکت روبه رشد داشته باشد، نه تنها باید کالای تولید داخل را بخرم، بلکه خود خریدنم را هم باید جلوه بدهم. مثلاً اگر دارم می گردم جنس خوب ایرانی پیدا کنم و معرفی هم داشته باشم، یک بخش اش این است که تبلیغش را داشته باشم و بقیه هم ببینند که با جنس ایرانی هم می شود شیک پوشید و خانه را خوب ترزین کرد و دکور عید را تغییر داد. مثلاً خودم سال هاست که برای پذیرایی عید از صنایع دستی مثل ظرف های مینا استفاده می کنم که تعدادش هم خیلی زیاد نیست. رفتم اصفهان و در مغازه ها دنبال جنسی گشتم که مثلاً کمی بیشتر در تنور بوده و یک قسمت هایی از آن هم دچار مشکل جزئی شده بود که مناسب تر برایم در بیاید. اهل دکور هم که اصلاً نیستیم ولی در همان حدی که لازم بود، امسال از کارهای سنتی ایرانی خریدیم. مثل رومیزی و روتختی هایی که به وسیله خانم هایی که می شناسم در داخل خانه تولید شده است، تهیه کردم.

یکی از تلاش های دیگر من برای دادن هدیه به مهمان های نوروزی مان که خیلی برایم سخت بود، این بود که اصلاً از کادوهای خارجی استفاده نکنم. من حتی در مسافرتی هم که سال گذشته به بوشهر و قشم داشتیم، هیچ جنس خارجی برای سوغات نخریدیم. از آنجا هم سبک صصیر باقی و عود دست ساز که خودشان درست کرده بودند و ادویه را به عنوان سوغات خریدیم. قشم جایی است که واقعاً ممکن است خیلی ها در خرید کالاهای خارجی وا بدهند ولی باز هم ما تلاش کرده بودیم درگیرش نشویم. الان مثلاً چای ایرانی را خیلی ها استفاده می کنند، اما قابلمه را نه، همه سعی می کنند ظرف های پخت و پز شان چدن باشد و تفلون و استیل فلان که من تقریباً امسال همه را ایرانی خریدم.

حتی شده است که کسی برای ما کالای خارجی بیاورد، ولی من استفاده اش نکردم و نگذاشتم که وارد چرخه زندگی مان بشود. خیلی هم سعی می کنم اگر مهمانی ای بروم که می دانم و می بینم که آن ها از کالاهای خارجی برای پذیرایی و پوشش شان استفاده می کنند، موقع مبارک بادی که خواستم بگویم، سعی کردم بگویم که چه جنس شیکیه که دو نفر دیگری که در این جمع هستند هم راغب به خریدش بشوند، سعی کردم از خود آن کالا تعریفی نکنم.

از سما که خیلی در گروه دوستانه بله دنبال تونیک های مناسب برای نوروز بود پرسیدم که علت این همه اهمیت و تأکیدش بر کالاهای داخلی چیست؟ گفت: دیدن شرح حال زندگی خیلی از تولیدکننده های داخلی و دیدن کسادی بازار داخلی خیلی تأثیر زیادی روی من داشت.

به نظرم این حداقل کاری است که برای کمک به وضعیت بهتر جامعه از دست من و خانواده ام برمی آید. بخشی از قضیه هم به عرق ملی و باورهای ارزشی به نظام برمی گردد و یک بخش هم دیدگاه اجتماعی من است که من اگر می خواهم جامعه ام حرکت روبه رشد داشته باشد، نه تنها باید کالای تولید داخل را بخرم، بلکه خود خریدنم را هم باید جلوه بدهم



اینکه تا جایی که از دستم برمی آید کالای ایرانی بخرم تا کارگر ایرانی بیکار نشود. غیر از این ها دیدم با خریدهای اولیه چند جنس ایرانی که تعریف شان را شنیده بودم ضرری نکردم و توانستم با هزینه مناسب تری کالای خوبی داشته باشم. برای همین خیلی تشویق شدم به خرید بیشتر سایر اجناس ایرانی. ولی واقعاً محصولات ایرانی مرغوب، مقابل کالای خارجی خیلی کمتر است و متقاضی باید خیلی بگردد تا پیداایشان کند که این باعث خستگی می شود. البته که به تازگی تبلیغات شان خیلی بهتر شده است. رهبری هم مدام تأکید داشتند که محصولات داخلی استفاده کنیم و دنبال برندها نباشیم و خارجی آن چیزهایی که مشابه داخلی دارد را متعصانه و با تعصب تمام مصرف نکنیم. ما هم دقیقاً همین تعصب را داریم. این تعصب، حس کمی نیست، یک کار بزرگ است.

از خانومی که به قول خودش خیلی ادعای ولایتمداری اش می شود ولی بیشتر اجناس تزئینی خانه و خوراکی های فرزندان و لباس های تن شان خارجی است هم همین سؤال ها را پرسیدم که او گفت: ما خیلی دوست داریم ایرانی بخریم اما هر بار نمی شود. هم فرزند انتم بشدت به خانواده نوتلا عادت کرده اند و مزاج شان با شکلات های ایرانی به هم می ریزد و هم دست خودمان در خرید، سمت همین کالاهای ما می رود. راستش حتی براق کننده های لوازم استیل و شوینده هایمان را هم نمی توانیم ایرانی بخریم، از بس از مارک های خارجی و حتی بوی مواد شوینده اش راضی هستیم. سال هاست که فکر می کنیم ایرانی ها درس شان را در تولیدات پس داده اند.

برایشان ناراحت هستیم که چرا نمی توانند پیشرفت کنند و فقر در خیلی از نقاط کشورمان دیده می شود اما کاری از این جهت از ما بر نمی آید. همسرم دست به خیر است، سعی می کنیم از این طریق جبران کنیم. اتفاقاً همسرم تعریف می کرد که سمت محل کارش که شهرک صنعتی است، حدود نیمی از کارگاه ها از پارسال تعطیل شدند و خیلی ها هم تعدیل نیرو کرده اند. گاهی برخی ها هم راضی هستند که اجناس تولیدی شان را به قیمت تمام شده رد کنند تا پولش را در بانک بگذارند و در اسنپ کار کنند. می پرسیم به نظرت به حمایت دولت نیاز داشتند یا مردم؟ می گوید: دولت که حمایتی نمی کند هیچ، فقط با گرفتن مالیات اذیت شان می کند، برای همین راغب به تعدیل می شوند. به نظرم اصل، اعتماد مردم است که اگر بتوانند اعتماد کرده و خرید کنند مشکلی پیش نمی آید. از طرفی جنس بی کیفیت با ظاهر خوب چینی هم ارزان تر است و مردم ترجیح اش می دهند.

یکسری از تولیدکننده ها هم جعل برند انجام می دهند که اغلب در پوشاک این اتفاق می افتد. چون فروش شان کم است و ما هم برندگرا هستیم، جعل ها زیاد شده است. مثلاً ما یکسری از لباس های عید را از مغازه خریده بودیم که برند ترک داشت ولی متوجه شدیم تولید داخل است. زیرا به خاطر سلیقه مردم مجبور شده بودند از برند ترک استفاده کنند. مطهره که دغدغه نخریدن لباس غیرایرانی را برای امسال داشت، می گوید: به لطف چندین سال تلاش برای جایگزینی کالای ایرانی به جای خارجی، برندهای زیادی ایرانی بلد بودم که کیفیت قابل قبولی دارند اما مقاومت خارجی شان تفاوت خاصی ندارند. حسن اش هم این بود که دو پیراهنی که برای دخترانم سفارش دادم دوخته شود، به قیمت خرید یک دانه خارجی اش درآمد. برای ما مهم بود که پولی که از زحمت حلال به دست آوردیم به دست یک هنرمند ایرانی برسد و نه دلال و قاچاقچی و واسطه.

این هم سنگر ماست، باید در این سنگر



چند مارک لباس کودک ایرانی می شناسم که کیفیت خیلی خوبی دارند و بارها خرید داشتم و راضی بودم. اما در مورد وسایل ایمنی دخترم مانند کالسکه و صندلی ماشین هم سراغ کارهای ایرانی نرفتم چون ایمنی لازم را ندارند و استانداردهای محافظتی را اصلاً رعایت نمی کنند